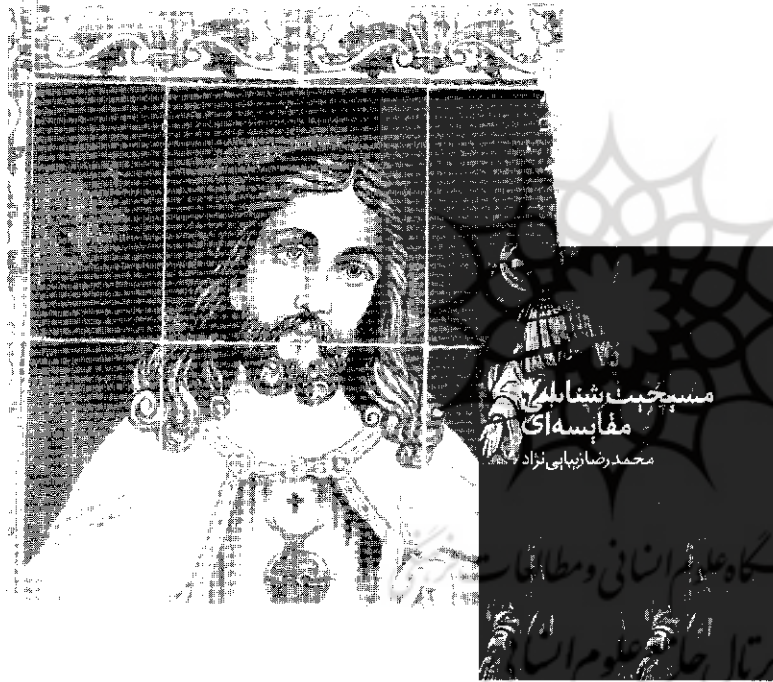


# مطالعه‌ای تطبیقی در مسیحیت شناسی

● میرنادر محمدزاده

■ مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای  
■ محمدرضا زیبایی نژاد  
■ سروش  
■ چاپ اول، ۱۳۸۲



و دروس معارف تهیه و انتشارات اشراق آن را به چاپ رساند که صبغه کلامی بیشتری نسبت به کتاب مسیحیت‌شناسی دارد. نگاه نویسنده در کتاب مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای، در برخی موارد نقادانه بوده است. کتاب در هفده فصل سامان یافته و مهم‌ترین مباحث آن به این شرح است:

## فصل ۱: بنی اسرائیل

یهودیت دینی تاریخی است که با حادثه ظهور خدا در رویداد تاریخی شکل می‌گیرد؛ خدایی که به واسطه وحی با قوم خود رابطه برقرار می‌کند و به میثاق (عهد) با بنی اسرائیل وارد می‌شود. نویسنده در این فصل به اختصار به تاریخ یهودیان از زمان ابراهیم (ع)، حدود دو هزار سال پیش از میلاد، تا عصر حاضر می‌پردازد.

کتاب مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای، نوشته حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زیبایی نژاد، به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از برخی منابع موجود به زبان فارسی نوشته شده است. نویسنده ابتدا به شرح و بسط برخی باورها و اعتقادات مسیحیت پرداخته و سپس در پایان هر بخش دیدگاه اسلام را درباره آن موضوع مطرح ساخته است. حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زیبایی نژاد در این موضوع علاوه بر این کتاب دو کتاب دیگر نیز تألیف کرده‌اند:

۱) در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه دیدگاه اسلام و غرب) که با همکاری محمدتقی سبحانی ۱۳۷۹ که دارالنور به درخواست دفتر مطالعات و تحقیقات زنان مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهان چاپ کرده است.  
۲) در آمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت که ۱۳۷۵ معاونت امور اساتید

فرقه زلوتها یا فانیان را که مبارزه سیاسی با رومیان بود، مردود می دانست و کار آنان را بیهوده می پنداشت.<sup>۵</sup> چنان که بعدها گفت: «آنان که شمشیر برمی دارند با همان شمشیر هلاک خواهند شد».

#### فصل ۴: رسولان؛ فصل ۵: پولس

پولس در شهر طرسوس واقع در کیلیکا در حدود سال دهم میلادی در خانواده ای فریسی به دنیا آمد و پرورش یافت. سپس با وضعیتی معجزه آسا و انقلابی به مسیحیت گرایش پیدا کرد. در پژوهش ها وی شخصیتی جنجال برانگیز است. برخی او را دشمن یهودیت و حتی دشمن مسیحیت می دانند. ویل دورانت بر این باور است که: «او به نام آیین یهود حمله به مسیحیت را آغاز کرد و سرانجام به نام مسیح آیین یهود را کنار گذاشت».<sup>۶</sup> برخی دیگر مثل جان بی ناس وی را دومین مؤسس مسیحیت نامیده اند<sup>۷</sup> وی توانست مسیحیت را به جهان صادر کند و آن را به دینی جهانی مبدل سازد.

هائس گونگ، پولس را بنیانگذار واقعی مسیحیت یا در پی تأسیس دین جدید نمی داند بلکه اهمیت وی را از آن جهت می داند که راه پذیرش مسیحیت را بر غیر یهودیان هموار ساخت و این گونه بود که مسیحیت را به دینی جهانی تبدیل کرد.<sup>۸</sup>

نویسنده کتاب نیز طرفدار نظریه نخست است. وی پولس را تحریف کننده عقاید مسیح می داند: «پولس بنیانگذار دینی جدید با استفاده از پوشش مسیحیت بود» (ص ۱۰۴). عمده دلایل نویسنده و دیگران بر این نظر، آیاتی از رسائل پولس است که نظر به برافکندن شریعت بعد از ظهور عیسی دارد: «یقین می دانم که انسان بدون اعمال شریعت محض با ایمان عادل شمرده می شود.» (رومیان، ۳: ۲۸) مؤلف صریحاً اعلام می کند که «پولس اصولاً شریعت موسوی را باطل اعلام کرد» (ص ۲۸۳). لیکن همه سخنان پولس حاکی از انکار شریعت نیست وی مقررات ظاهری شریعت را انجام می داد (۳: ۲۱) پولس در واقع شریعت را وسیله ای جهت آگاهی انسان بر ناتوانی جلب رضایت کامل خداوند با اجرای شریعت می داند که چشمان ما را باز می کند تا گناهان خود را ببینیم.<sup>۹</sup> این کارکرد شریعت در رساله های پولس در رومیان (۳: ۲۰، ۵: ۲۰، ۷: ۷) و غلاطیان (۳: ۱۹-۲۴) مشهود است.

وی در بخش فرهنگ اسرائیل به تأثیر پذیری های قوم یهود از ملل دیگر همچون مصر و کنعانیان می پردازد، هر چند که به تأثیر پذیری آنان از ایرانیان در دوره اسارت بابلی<sup>۱</sup>، به ویژه درباره فرشتگان، رستاخیز و داوری که مورد پذیرش بیشتر دین پژوهان است<sup>۲</sup> اشاره ای نمی کند.

#### فصل ۲: مریم (س)

در این فصل به قداست، پاکدامنی و دوشیزگی حضرت مریم از نظر مسیحیان و لقاچ مطهر<sup>۳</sup> مریم (س) همچون عیسی و میرا بودن وی از گناه ازلی و اختلافات موجود در این باره (ص ۲۹)، همچنین به معراج و پرستش مریم پرداخته می شود. نویسنده دلایل متقن و محکمی از پرستش حضرت مریم (س) در میان مسیحیان ارائه نمی دهد بلکه احترام و ستایش منزلت و مقام حضرت مریم را دلیل بر مدعای خود می آورد (ص ۳۱-۳۳). وی برخی از اعتقادات مسیحیان را رد می کند: «اطلاعات منابع اسلامی نشان می دهد که مریم (س) در زمان حیات فرزند خود از دنیا رفت و عیسی (ع) خود غسل او را بر عهده گرفت از اینجاست که دریافت که داستان حضور مریم (س) در مراسم تصلیب فرزندش نمی تواند واقعیت داشته باشد» (ص ۳۹).

#### فصل ۳: عیسی (ع)

حضرت عیسی در مسیحیت نقشی محوری دارد و مرکز ثقل آن دین و وحی مجسم است.<sup>۴</sup> خداوند (مسیح) به منظور نجات انسان، متجسد می شود. عیسی «نقطه مرکزی اندیشه مسیحیت شخصیتی با دو ذات الهی و بشری است. او هم انسان است و هم خدا. واقعاً انسان است و واقعاً خدا» (ص ۴۱). نویسنده در این فصل عیسی تاریخی در قرن نوزدهم را معلول شخصیت پردازی ناهمگون کلیسا از عیسی تاریخی می داند (ص ۴۶): از نظر وی «شخصیت عیسی بر اساس یک سری آیات از کتاب مقدس «شخصیتی انقلابی است که برای نجات محرومان از سلطه ستمکاران آمده است و مبارزه مسلحانه یکی از راهبردهایی است که برگزیده است» (ص ۵۱). در حالی که، برخلاف نظر نویسنده، تعالیم عیسی (ع) بیشتر جنبه روحانی و اخلاقی دارد تا سیاسی. همچنان که هیچ اقدام سیاسی در مدت زندگی کوتاه وی روایت نشده است. وی حتی روش



زمان تألیف این کتب از عنایت روح القدس برخوردار بودند. پس نمی توان تحریف کتاب آسمانی را به اهل کتاب نسبت داد» (ص ۱۷۵).

برخی از سخنان نویسنده در این فصل مبتنی بر احتمالات و حدس و گمان است: «احتمالاً بشارت صریح در مورد ظهور پیامبر خاتم در این کتاب به وضوح و روشنی موجود بود که پس از مقابله مسیحیت جزیره العرب با مسلمانان، کتاب های معتبر کلیسای روم آن را اشغال کردند. این کتاب ها از دسترس خارج شدند» (ص ۲۰۰).

فصل نهم نیز در ادامه این فصل به اثبات بشارت نسبت به پیامبری حضرت محمد (ص) حتی در کتب عهد عتیق بدون ارائه سند تاریخی و مبتنی بر احتمالات دارد. (ص ۲۲۸-۲۲۸)

هانس کونگ به نوعی دیگر در دفاع از پولس، شریعت را به دو معنای عام به معنای تورات (۵ سفر) و خاص به عنوان هلاخا (شریعت) یعنی شریعت دینی ربی ها و تکالیف شرعی مورد نظر آنها تقسیم می کند. مناقشه پولس در نقطه مقابل شریعت به معنای تورات موسی نیست بلکه در مقابل انجام تکالیف شرعی و عدالت از راه شریعت است.

#### فصل ۶: رهبانیت<sup>۱۱</sup>؛ فصل ۷: کتاب مقدس

بر خلاف یهودیت و اسلام در مسیحیت سخن از وحی نیست، بلکه با مکاشفه و مواجهه مستقیم خداوند با انسان روبه رو هستیم. با انسان عهد جدیدی بسته می شود. از این رو، کتاب مقدس (عهد جدید) ثبت این مکاشفه است.

نویسنده در این فصل به تفاوت دیدگاه مسلمانان و مسیحیان درباره اعجاز لفظی وحی می پردازد. از نظر وی «در اعتقاد مسلمانان تمام آیات قرآن در قالب الفاظ مشخصی از سوی خداوند فرود آمده و پیامبر اسلام هیچ گونه نقشی در انتخابات الفاظ و جمله بندی آیات نداشته است. به بیان دیگر مسلمانان معتقد به اعجاز لفظی قرآن اند. حال آنکه مسیحیان معتقدند که نویسندگان کتاب مقدس در دریافت پیام های کلی تحت هدایت روح القدس قرار داشتند اما بر اساس ذوق و تشخیص خود جملات را انتخاب می کردند و به همین دلیل ممکن است در نوشته های آنان اطلاعات اشتباه و یا نظریات غلطی وجود داشته باشد اما این اشتباهات، مربوط به ظرف پیام است و تأثیری بر اصل پیام ندارد. پیام اصلی از جانب خدا آمده و حق است» (ص ۱۲۲-۱۲۳).

#### فصل ۸: تحریف

نویسنده در این فصل بر این باور است که در تورات و انجیل اصلی را که پیامبران آورده اند، مفقود است و اناجیل موجود بدون استناد به انجیل واقعی مسیح (ع) تدوین شده اند. نویسنده ضمناً به این نکته اذعان دارد که «اصولاً مسیحیان معتقد به نزول کتاب آسمانی از سوی خداوند بر پیامبرانی چون موسی (ع) و عیسی (ع) نیستند تا این شبهه مطرح شود که یهود و نصارا کتاب آسمانی نازل شده را تحریف کرده اند. بلکه آنان تمام این کتب را نوشته های انسان هایی غیر معصوم و خطا کار می دانند که در

فراوانی در راه تدوین اثر متحمل شده است؛ به ویژه این که در زمینه ادیان به زبان فارسی بسیار کم کار شده است و این اثر کمک شایانی به ویژه برای دین پژوهان و حقیقت جویانی است که به منابع مختلف دسترسی ندارند.

اما ذکر چند نکته لازم به نظر می آید:

۱- اشکال بزرگی که در این کتاب در نگاه اول نظر هر خواننده را جلب می کند، عدم استفاده نویسنده از منابع دست اول و منابع لاتینی است. در حالی که منابع انگلیسی و حداقل دایرة المعارف های ویژه ادیان از قبیل دایرة المعارف دین و اخلاق<sup>۱۹</sup>، دایرة المعارف کاتولیک<sup>۲۰</sup> و دایرة المعارف دین الهیاده<sup>۲۱</sup> و فرهنگ لغت های تفسیری در زمینه دین مانند فرهنگ لغت تفسیری کتاب مقدس<sup>۲۲</sup> و فرهنگ لغت کلیسای مسیحی اکسفورد<sup>۲۳</sup> و کتاب های مرجع دیگر به زبان لاتین به راحتی در کتابخانه ها در دسترس قرار دارند و عدم استفاده از این منابع دست اول در پژوهش نقص بزرگی به حساب می آید. به ویژه آن که منابع فارسی زبان در این زمینه اندک است و برخی آثار ترجمه شده نیز دارای اشکالات ترجمه ای عدیده ای است.

نویسنده در کتاب خود حتی از منابع بدون شناسنامه همچون کتاب های «بت پرستی و مسیحیت کنونی» و «خداوند ما عیسی مسیح» استفاده کرده است. در فصل تحریف حتی تحریف از نگاه کلیسا از منابع دست دوم به ویژه از منابع و تفاسیر اسلامی مثل تفسیر المیزان علامه طباطبائی، تفسیر المنار سید محمد رشید رضا، تحقیقی در دین مسیح جلال الدین آشتیانی و عیسی پیام آور اسلام احمد بهشتی استفاده شده که از نظر دین پژوهی مقایسه ای قابل ایراد است.

۲- عنوان کتاب کلی است و با موضوعات مندرج در کتاب منطبق نیست مشخص نشده که مسیحیت با چه دینی مقایسه شده است؛ در حالی که نویسنده در پیش در آمد کتاب می گوید که مسیحیت را با اسلام و حتی با شیعه مقایسه کرده است و بر آن بوده است که تصویر مسیحیت را در فضا و منابع مسیحی و نیز در منابع اسلامی ترسیم کند. (ص ۲).

۳- حجم کتاب با گستردگی موضوعات کتاب تناسب ندارد. آموزه های طرح شده در این کتاب به توضیحات بیشتر نیاز دارد. در واقع حجم کتاب پاسخگوی سرفصل های آن نیست.

۴- نویسنده مدعی است که در کتاب خود در صدد ارزش گذاری

فصل های بعدی نیز فرق مسیحی، کلیسا<sup>۲۴</sup>، اعیاد مسیحی، تثلیث<sup>۲۵</sup> و تجسد<sup>۲۶</sup> را بررسی می کند و غالباً تکرار مباحث قبلی است.

#### فصل ۱۶: نجات<sup>۱۶</sup>

نجات آموزه ای است که تقریباً هر دینی، چه ابتدایی و چه مدرن، به آن پرداخته است. دین مسیحیت بیشتر از هر دینی به نجات اهمیت داده است. بر اساس این دین، اصلاً طرح خداوند برای انسانها، طرح نجات است و از همان آغاز، خداوند نقشه نجات انسانها را کشیده است؛ «در عهد جدید هم همچون عهد قدیم نجات به وسیله عمل خدا در تاریخ صورت می گیرد»<sup>۲۷</sup>.

اما خداوند مانند عهد عتیق دیگر به دخالت غیر مستقیم در امور بشری قناعت نمی کند و به فرستادن نبی و انزال وحی و جزآن اکتفا نمی کند بلکه به نظر مسیحیان به طرق عادی نجات، مانند شریعت و وحی مبتنی بر کلام، پایان می دهد و خود هیأت انسانی می گیرد. در حقیقت در مسیحیت، خدا آغازگر محبت و نجات است.

نجات در واقع رهایی از آلودگی گناه ازلی است. اهمیت شناخت گناه ازلی در این است که بدون شناخت آن نمی شود مسیحیت را به درستی فهمید. از همان سر آغاز انسان گناه می کند و باعث اختلاف و بی نظمی در جهان می شود؛ خداوند طرح نجات انسان را می ریزد و مفاهیمی چون تجسد، صلیب<sup>۲۸</sup> و فدیة مطرح می شود.

نویسنده در این فصل علاوه بر بحث از گناه و گناه ازلی در مسیحیت به تفاوت گناه در اسلام و مسیحیت اشاره می کند: «اراده آزاد انسانی و قدرت اختیار نیک و بد از مفاهیم کلیدی در اندیشه اسلامی است. بدون در نظر گرفتن آزادی اراده، تکلیف و وظیفه مندی انسان بی معناست» (ص ۳۹۰). البته نویسنده فقط به نظر اکثر متکلمین شیعی اشاره دارد؛ در حالی که اهل سنت، اشاعره، اهل حدیث و برخی فرق دیگر قائل به جبرند. البته نظر اشاعره به شکل خاصی مطرح می شود. آنها انسان را کاسب افعال می دانند؛ یعنی انسان فعل و عملی که خداوند اراده و خلق کرده است، کسب می کند و در واقع انسان فقط صاحب افعال می شود که فاعل حقیقی آن خداست. فصل پایانی نیز به شریعت اختصاص دارد.

در پایان باید به این نکته اشاره کنیم که نویسنده محترم کتاب زحمات



۸. بی ناس، جان، همان، ص ۶۱۳.
۹. کونگ، هانس، «پولس و گسترش مسیحیت»، احمد رضا مفتاح، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۱۶، سال چهارم (۱۳۸۱): ص ۹۳-۱۲۲.
10. Mackintosh, H.R., "Sin (christianity)", James Hastings, *The Encyclopedia of Religion and Eathic*, New York, Edinburgh, 1962, Vol.11,P.538.
۱۱. کونگ، هانس، همان، ص ۱۰۸-۱۰۹.
12. monasticism
13. ecelesia
14. trinity
15. incarnation
16. salvation
17. Richardson, Alan, "Sal vation" *The interpreter,s Dictionary of the Bible*, New York, Nash ville, Abingdon Press, 1962, Vol.4,P.179.
18. cruse
19. Hastings, James, *The Encyclopedia of Religion and Eathic* , Edinburgh, New York,1964.
20. Broderick, *The catholic Enc .*, by Robert appleton Company, New york, 1911.
21. Mircea Eliade, *The Enc.of Religion* , Macmillan Publication Company, New York, 1987.
22. Vries, S.J.De, *The interpreter's Dictionary of the Bible*, Nash ville, Abingdon Press, New York, 1962.
23. *The oxford Dictionary of the christian church*, Oxford university Press, 1997
24. liberalism
25. neo\_orthodox
26. evangelical
27. Process theology
28. existentialism
29. pantheism
30. feminism
- گزارش‌های ارائه شده نیست (ص ۳). در حالی که در همان صفحه اذعان کرده است که گه‌گاه به وادی نقد هم کشیده شده است. نویسنده در دو مبحث تحریف و بشارات که بر اساس نگاهی اسلامی تنظیم شده، نقادانه به موضوع نگریسته است و چنان که وی در جای جای کتاب بر خلاف شیوه مطالعه تطبیقی، مبنی بر عدم داوری، به انکار اعتقادات مسیحی پرداخته است. از جمله: «تمام رساله‌های پولس و برخی کتاب‌ها و رسالات دیگر در زمره کتاب‌های جعلی هستند» (ص ۱۹۴).
- نویسنده حتی در بسیاری جاها حالت کلامی و شیوه متکلمانه در پیش می‌گیرد و به دفاع از اعتقادات اسلامی می‌پردازد: «در اعتقاد ما برخی از پیامبران دارای کتاب آسمانی هستند» (ص ۱۵۵).
۵. از اشکالات دیگر این کتاب عدم ذکر ضبط لاتین برای برخی از اعلام و اصطلاحات (نه در متن و نه در پاورقی) است. برای نمونه در فصل دهم کتاب، لاتین واژه‌های لیبرالیسم،<sup>۲۷</sup> نوارتدکسی،<sup>۲۵</sup> انجیلی‌ها،<sup>۲۶</sup> الهیات پویشی،<sup>۲۷</sup> اگریستانسیالیستی،<sup>۲۸</sup> وحدت وجود،<sup>۲۹</sup> زن‌گرایانه<sup>۳۰</sup> و جز آن نیامده است.
- پی نوشت‌ها:
۱. بنی اسرائیل در ۵۸۶ پیش از میلاد از بابلیان شکست خوردند و به اسارت به بابل برده شدند و در ۵۳۸ پیش از میلاد در لشکرکشی کورش کبیر به شهر بابل از اسارت آزاد شده‌اند. مورخان از این دوره به اسارت بابلی تعبیر می‌کنند.
۲. بی. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم ۱۳۷۵، ص ۵۴۶.
3. Ineffubilis Deus, Immaculate Conception
4. Megrath Aister E., *A Introduction of Christianity* , USA, Black Well, 1998, P.75
۵. بی ناس، جان، همان، ص ۵۸۶.
۶. دورانت، ویل، تاریخ و تمدن، حمید عنایت و دیگران، ج ۳، سازمان انتشارات و انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۶، ص ۶۷۹.
۷. همان، ص ۶۸۱.